



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماری .ترم: بهمن سال تحصیلی: 1398-1399  
 نام درس: **نماد شناسی** نام و نام خانوادگی مدرس: سیادتی  
 آدرس email مدرس: ..... تلفن همراه مدرس: .....

جزوه درس: **نماد شناسی** .. مربوط به هفته : چهارم □ پنجم ■ ششم □  
 text: دارد □ ندارد □ voice: دارد □ ندارد □ power point: دارد □ ندارد □  
 تلفن همراه مدیر گروه : .....

#### مقدمه

در طول تاریخ بشریت، انسان‌های اولیه برای تعاملات با یکدیگر غالباً از علائم و نشانه‌ها استفاده می‌کردند. بطوری که نوع زندگی، کار و شغل آن‌ها از طریق میراث فرهنگی بدست آمده از نمادها که بصورت سنگی- فلزی یافت می‌شود، بوده است. در طول تاریخ نمادها بصورت‌های مختلف نقاشی، تصویر یا علامت بوده و همچنان بخشی از تفهیم موضوعات با سرعت بالا از طریق علائم و نشانه‌ها صورت می‌گیرد مانند نمادهای راهنمایی و رانندگی. چون علائم نشانگر مفاهیم می‌باشد، می‌تواند جنبه‌های منفی و یا مثبت داشته باشد. مثبت مانند آرم سپاه و منفی مانند آرم‌های شیطان پرستی. حقایق و وقایع بی شماری در ماوراء درک بشر قرار دارند که او را و می‌دارد تا برای ابراز اندیشه‌ها و مفاهیمی که بیان و توصیف کلامی آنها مشکل است، نظامهایی از علائم گوناگون ابداع کنند. کارل گوستاو یونگ می‌گوید واژه یا تصویر زمانی یک نماد است که متضمن چیزی در ماوراء معنای آشکار و مستقیم خود باشد. نماد دارای جنبه‌ای وسیع و ناخودآگاه است که هرگز نمی‌توان به طور دقیق آن را تعریف و یا به طور کامل آن را توصیف کرد.

هنگامی که ذهن به تحلیل نماد می‌پردازد با اندیشه‌هایی برخورد پیدا می‌کند که در ماوراء قابلیت‌های منطقی - عقلانی آن قرار دارند. اندکی تأمل و در خود فرو رفتن ما را به این نتیجه می‌رساند که بشر قادر به دریافت و درک کامل همه چیز نیست. او می‌تواند ببیند، بشنود، لمس کند و بچشد، اما قابلیت‌های دیداری و شنیداری و تمام آگاهی‌هایی که از طریق قوای لامسه و چشایی می‌توانند برای او حاصل شوند وابسته به تعداد و کیفیت قوای احساسی اوست و در نتیجه محدود است. زندگی اجتماعی ما ناشی از برقراری ارتباط است. انسانها مفاهیم بعید زمانی و مکانی را علاوه بر به کارگیری زبان گفتاری، از طریق استفاده از علائم نوشتاری در تمام ابعاد آن ابراز می‌کنند و از این طریق ایجاد ارتباط می‌نمایند. امروزه بیش از هر زمانی از علائم در جایگزینی و پر محتوا کردن علائم محدود الفبائی (یعنی حروف) استفاده می‌شود. این علائم نظیر نشانه‌ها یا علائم تصویری موجود در ایستگاه‌های راه آهن، فرودگاه‌ها، خیابانها و سایر مکانهای عمومی ممکن است. این نمادها همه جا به چشم می‌خورند: روی بسته بندیها، قوطی‌ها، جعبه‌ها، وسایل نقلیه، کاغذ، در تابلوهای مربوط به تظاهرات، در بازیهای عمومی، بازارها، نمایشگاهها و جشنواره‌ها. از آنجا که مدارک مستدل دال بر این هستند که این امر، یعنی استفاده از نمادها، از سرآغاز پیدایش تمدن جریان داشته است بی‌مناسبت به نظر نمی‌رسد که نگاهی کوتاه به تاریخچه ارتباط انسانها بیاندازیم.

رمز پردازی یا نمادگرایی یک ابزار دانش کهن و قدیمی ترین و اصولی ترین بیان مفاهیم است. نمادگرایی در طی زمان‌ها و قرون بدست آمده و در تفکرات و رویاهای نژاد های مختلف جای گرفته است و در فراسوی مرزهای ارتباطی جای دارد. نماد اندیشه را بر می‌انگیزد و انسان را به گستره تفکر بدون گفتار رهنمون می‌شود و این ترجمان کوششی است جهت دستیابی و تجسم مفاهیمی که از ورای ابهامات انسان را احاطه کرده است. در نمادگرایی عین و ذهن دارای همگونی و پویایی از پیش انگاشته‌ای است. بر خلاف علامت یا همان Sign یا نشانه که یک نشان قراردادی است و عین و ذهن نسبت به هم بیگانه اند.



اصطلاح سمبل که در فارسی دری به نماد ترجمه شده است، اصلاً از ریشه مصدر یونانی، سمبالین به معنای « به هم پیوستن » و « به هم انداختن » و اسم مشتق یعنی سیمبلن از آن ناشی گردیده است. سیمبلن در زبان یونانی باستان به معنای « نشان ، مظهر ، نمود و علامت » به کار رفته است.

اما نماد آفرینی در تاریخ بشر پیشینه ای دور دارد. بدین معنی که هزاران سال قبل از به وجود آمدن مکتب سمبولیسم، انسان برای تبیین پدیده های طبیعت و بیان احساسات و عواطفش، از نماد ها استفاده می کرده است. هرگاه ما به مطالعه باور های دینی و اساطیر انسان های بدوی بپردازیم، با انبوهی از نماد هایی که هر کدام معرف بخشی از عقاید آنان در مورد طبیعت، زندگی و مرگ بوده است، برمی خوریم. انسان بدوی در ورای پدیده ها و حادثه های طبیعی نیروی مرموز و روحی نهفته را می بیند که آن روح یا نیرو سبب موجودیت یا حادث شدن آن پدیده یا حادثه است. از دیدگاه انسان بدوی جهان مشبوع از ارواح و نیروهای مرموزی است که پدیده ها و حوادث مظهري از آن نیرو ها یا ارواح هستند.

در طول تاریخ از نماد، که نوعی علامت واجد هویت بصری است، به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط استفاده شده است. تصور بر این است که انسان پیش از تاریخ با خراش دادن و ایجاد نقش بر دیوار غارهای آلتامیرا در اسپانیا و لاسکو در فرانسه تلاش داشته تا از این طریق به دیگران علامت خطر یا آگاهی دهد و یا پیام های دیگری را انتقال دهد. باستان شناسان لوازم و ابزارهایی را از یونان باستان یافته اند که بر آنها نقوش و علائم نمادینی نقش بسته که احتمالاً معرف خالق آنها بوده است. بر تابوت های مصری نیز نقوش نمادینی حکاکی شده است که احتمالاً نشان از هنرمند خالق آن دارد. در جوامع قرون وسطایی بازرگانان و صنعتگران برای مشخص کردن کالاها یا محصولاتشان از علائم و نمادهای خاصی استفاده می کردند که شناساگر آنها بود. چاپگران اواخر سده نوزدهم میلادی نیز که به مهارت ها و استادی خود فخر بودند، بر روی تمامی چاپتیش های خود نمادهایی را به صورت حرف، نشانه یا امضاء چاپ می کردند که معرف حرفه و صنعتگری آنان بود. در آغاز سده بیستم نیز گاوچرانان آمریکایی برای مشخص کردن مالکیت دام های خود از علائم انحصاری استفاده می کردند. در واقع آنها از نوعی زبان تصویری استفاده می کردند که سابقه آن به مصریان باستان می رسد. نقوش مختلط، علائم و نشانه های روی در و دیوارهای شهر را می توان همگی به عنوان تلاشی برای بیان احساسات، ایجاد ارتباط یا تلاشی جهت ابراز وجود دانست. مطالعه ی زندگی، اساطیر، و باورهای دینی و مذهبی انسان های نخستین گواه آنست که دنیای آنها جهانی بوده است، پر از نماد ها که آنها به وسیله همین نماد ها به توجیه و تبیین جهان و پدیده های آن می پرداخته اند، یا خود همین حوادث طبیعی توجیهی برای باور های آنها بوده اند. بعد از اینکه انسان مراحل ابتدایی تاریخ خود را پشت سر گذاشت و وارد مرحله ی مدنیت و شهر نشینی گردید و بینش علمی جانشین بینش اسطوره ای شد، نمادها آهسته- آهسته از صفحه خودآگاه ذهن انسان به سوی ژرفای بی انتهای ناخودآگاه رانده شدند و تنها سه پدیده: مذهب، هنر و عرفان است که تا هنوز هم به نمادها وفادار باقیمانده اند و از نماد ها برای بیان گفتمانی های استفاده می برند نماد به سادگی چیزی است که به جای چیز دیگر می نشیند و نشانه ی آن است یا بر آن دلالت دارد. به نظر می رسد که گرایش طبیعی برای ایجاد نمادها به شیوه ای که می اندیشیم و در هنر ما باید انعکاس یک ویژگی عمیق روان بشری باشد ارتباط داشته باشد. به عنوان مثال شیر را ذکر می کنیم. اساساً این حیوان تنها جانوری عظیم، قهوه ای رنگ،



گران، از دسته گربه سانان است، به محض آنکه آن را سلطان جنگل یا فرمانروای جنگل بنامیم بصورت نماد در می آید. در واقع از همه آفریدگان این حیوان یکی از جانورانی است که بیش از همه درباره آن نماد سازی شده است. بخش اعظم این نماد سازی، جنبه دینی داشته است، حتی در میان اقوامی که شیر را بصورت وحشی نمی شناخته اند.

نماد در هنر در سطوح مختلف و بر طبق اعتقادات و رسوم اجتماعی که الهام بخش هنرمند است عمل می کند. در میان چینیان نمادها ممکن است گاهی مبین بیش از یک تعاریف دلپذیر نباشد، یک ظرف یا بشقاب نقاشی شده که از میهمانی به عنوان هدیه به میزبانش تقدیم می شود، بر اثر انتخاب تصاویر تزیینی آن ممکن است برای دریافت دارنده آن، عمری طولانی، فرزندان بسیار، یا حتی موفقیت در امتحانات دولتی آرزو کند. این زبان نمادین روزگاری به طور گسترده در میان طبقه فرهیخته چین مرسوم داشت. در سطحی دیگر، پندارهایی وجود دارد که مربوط به پرستش می شود و بخش اعظم را تشکیل می دهد. لحظه ای جسم آدمی را در نظر بگیریم که هنرمند آن را برای نشان دادن یک خدا یا الهه بکار می برد، خود به خود جسم شخصی بدون نام است. باید نخست جامه ای به شیوه ای متمایز بر آن پوشانید تا آن را بتوان به صورت خدایی مشخص در آورد. بدین طریق هنرمند با بخشیدن ماده و هویت به موجوداتی که شکل آنها در واقع ناشناخته است تصویری نمادین می بخشد. جانوران دارای نیروی اسرارآمیز در بین ساکنان مناطق مختلف می باشند، پرندگان نه تنها موجب پیشگویی هوا می شدند بلکه آن را به طریقی ایجاد می کردند. آنها به عنوان مبشران خورشید و توفان مورد پرستش بودند.

### تاریخچه

در حدود 40000 سال قبل بشر اولیه که از طریق شکار روزگار می گذراند به منظور انتقال افکار و امیال خویش به حک علائمی گرافیکی بر صخره ها پرداخت و بدین وسیله کوشید امیال و افکار خویش را از طریق تصویر به نمایش بکشد. از این رهگذر، اندیشه که تا آن زمان صرفاً از طریق صوت (زبان) یا حرکات (حالت دستها) بیان می شد، این قابلیت را پیدا کرد که بتواند ثبت گردد و ماندگار شود.

جای پای انسانها و آثار پنجه حیوانات در گذشته های دور بر روی زمین، ردیابی، مقایسه، توصیف، طبقه بندی، تعبیر و گردیده و به اصطلاح «خوانده» شده است. و مشخص شده است که این رد پاها همواره به هدف و مقصدی منتهی می شده اند که عبارت بوده است از چشمه یا غار. این رد پاها اطلاعاتی از صاحبان آنها منعکس می کنند. از جمله اینکه مسیر راهپیمایی آنان را نشان می دهد و همچنین از روی قدمت آنها می توان به میزان عمر انسانها یا حیوانات پی برد. به هر حال رد پاها دارای معنا هستند و در نتیجه باید آنها را همچون نوشته هایی عینی و علائمی تصویری در نظر گرفت.

بشر امروزی بسیار پیش از بشر گذشته مجبور به استفاده از نشانه ها و نمادهاست. در حدود 4000 سال پیش در مصر و در حدود همین زمان در چین، خط هیروگلیف و خط اندیشه نگار بر مبنای نمادهای اولیه پیدایش یافتند و رفته رفته تکامل پیدا کردند. این خطها ترکیبی از واژه و نمادهای ترسیمی هستند.



سومریها که ابداع خط میخی با قدمت تقریباً 4000 سال قبل از میلاد به آنها منسوب است، کار مصریها و چینی ها را دنبال کردند. برخی از نمادهای هیروگلیفی شدیداً وابسته و مرتبط با نوع مصری آن است. در مقابل هیروگلیفهای مربوط به دره رود سند که متعلق به 3000 سال قبل از میلاد و بسیار شبیه به خطوط اندیشه نگاری چینی می باشد. حروف الفبا که در فاصله سالهای 1700 تا 1500 قبل از میلاد توسط فنیقی ها بنیانگذاری شد، در حدود 1000 سال قبل از میلاد در مناطق متعلق به سامی ها و در اطراف مدیترانه گسترش یافت و سپس با اخذ آن توسط یونانی ها و تغییر شکل بعضی از حروف آن را کامل کردند. در حالی که زبان تمام ملتها به زبانهای تخصصی تری تبدیل و تقسیم شده اند، در دنیایی که هم اکنون ارتباطی بصری بر آن حاکم است، زبان « نمادی - تصویری - ترسیمی » جدیدی تولد یافته که مستقل از هر نوع زبان در حال پیشرفت و تکامل است و همگان نیز می توانند آن را بفهمند.

### نماد و نشانه چیست؟

حروف یا علامتی که برای نمایش یک فعالیت یا یک شیء طراحی شده باشد، نماد است. نماد ممکن است تصویری یا انتزاعی باشد و در زمینه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی یا تجاری بکار رود.

نشانه یا آرم بیان مفهوم یا شکل چیزی است که در قالب شکلی دیگر در ذهن متجلی میشود و آن را باید روی کاغذ ثبت کرد و تماماً بیانگر چیزی است که عینیت پیدا کرده است. طراحی نشانه، اصطلاحی برای هماهنگ سازی نیازهای نشانه ای، مسیریابی، آموزشی و اطلاع رسانی برای استفاده در محیطهای شهری، ساختمانها و مناسباتی مهمی چون نمایشگاهها است. در طراحی نشانه، ریتم، فرم، تکنیک و قدرت اجرایی یکجا به نمایش در می آید.

علامت تجاری، نشانه ای به شکل یک نماد یا حروف نشانه است که برای شناسایی یا وحدت بخشی به محصولات و خدمات و ... استفاده میشود.

نشانه نامی تصویری است که ساده، مختصر مؤثر و موجز موضوع را تجسم می کند. به همین دلیل نشانه یک فرم و یا یک تصویر گذرا نیست بلکه در طی سالیان متمادی در خدمت یک سازمان و یا هدف خاص قرار گرفته و معرف شخصیت اجتماعی و فرهنگی صاحب خود است. به طور کلی نشانه باید فرهنگ خلاصه و کاملی از کل مفهوم موضوع باشد که ساده و روشن این فرهنگ را به بیننده انتقال دهد. هویتی که به سرعت و به آسانی قابل تشخیص باشد. نشانه نمایانگر حجم زیادی از اطلاعات است که در یک بیان بصری واحد متراکم شده است.

آن چه می توان در مورد نشانه و خصوصیات آن متذکر شد این است که نشانه بایستی دارای ویژگی های خاصی باشد تا بتواند به عنوان یک نشانه ای موفق طی سالیان سال دوام و بقا یابد. سادگی زیبایی انسجام وحدت شکل قابلیت کارایی در اشکال مختلف عدم تشابه با علائم دیگر ارتباط مستقیم نشانه با موضوع رنگی بودن به سادگی در خاطر سپرده شدن گویا بودن و دارای اجرای دقیق و صحیح بودن بدین ترتیب ملاحظه می شود که نشانه در عین سادگی دارای ویژگی ها و خصوصیات بسیار زیادی است که بایستی به طور ظریف و دقیق همگی این مفاهیم در قالب یک تصویر به وجود آید. یک نشانه موفق، به سرعت بر مخاطب تأثیر می گذارد و چشم را به شدت به خود جلب می کند. نشانه باید بی هیچ



کلامی به سرعت قابل تشخیص باشد و دارای انسجامی باشد که آنرا از دیگر نشانه‌ها متمایز سازد. نشانه خوب باید آنچنان قوی و معتبر باشد که تا مدت زمان طولانی همچنان اعتبار خود را حفظ کند و قابل استفاده باشد. برای طراحی هر نوع حرف نشانه ای، راه‌های زیادی وجود دارد، اما اصلی‌ترین ویژگی یک نشانه یا یک نماد خوب سادگی یا ایجاز آن است. اصطلاح معروف (کمترین بیشترین است) به کرات توسط طراحان و کسانی که طراحی تدریس می‌کنند استفاده شده است. اصل (کمترین بیشترین است) به آموزه‌های مدرسه باهاوس مربوط است.

از هزاران سال پیش، انسان‌ها برای ارتباط با یکدیگر علامت‌های ساده‌ای را بر روی سنگ، استخوان و یا پوست حیوانات شکارشده حک می‌کردند. این علائم تصاویری بود از چیزهایی که آنها در اطراف خود دیده بودند و یا بیانگر اتفاقات و وقایع روزگارشان بود. به تدریج بسیاری از این علامت‌ها به نمادهای تصویری تبدیل شدند. نخستین کتیبه‌های یافته شده که به نظر کارشناسان نوعی «کمک حافظه» محسوب می‌شوند شامل طرح گونه‌هایی ساده از اشیاء هستند که به سبب شباهتی که به موضوع اصلی دارند باعث فعال شدن ذهن و درک معنا و مفهوم می‌باشد.

همه آن علائم نوعی نشانه تصویری بودند و هر علامت مربوط به چیزی و یا موجودیت ویژه‌ای بوده است. مانند طرح ساده‌شده‌ای از کله گاو که نماد خود گاو بوده است. احتمال دارد که انسان‌های اولیه بخشی از این علائم را به منظور حفظ حکایت‌های سنتی خود به کار گرفته باشند. این علائم اطلاعاتی از آداب، رسوم و سنت‌های آن دوره را به دوران‌های بعد انتقال داده‌اند. با مراجعه به مطالعات تاریخ هنر درمی‌یابیم که سومری‌ها برای نوشتن روی الواح گلی از هزاران تصویر استفاده می‌کردند. پس از آن مصری‌ها علامت‌هایی ابداع کردند که جایگزین تصاویر شدند. در تمدن‌های کهن دیگر مانند چین و ژاپن نیز علامت‌های فراوانی دیده می‌شود که نوی نوشتار تصویری محسوب می‌شوند. الواح و سنگ‌های حک شده موجود در تمدن ایران باستان، حکاک‌های تخت جمشید، تصاویر موجود بر دیواره غار لاسکو فرانسه، کنده‌کاری‌های آلتامیرا در شمال اسپانیا، سنگ‌نوشته‌های سرخپوستان آمریکا و سایر علائم موجود در تمدن‌های کهن که بر روی دیوارها، سنگ، چوب، پوست و سفال نقش شده‌اند، بیانگر این نکته‌اند که بهترین نوع ارتباط مردمان در طول تاریخ استفاده از شکل‌های تصویری و نوشتار ترسیمی بوده است. با ساده و کوچک شدن نمادها و علائم، زبان تصویر قادر بود با نظامی ساده هر چیزی را توصیف کند. هریک از تصاویر نمایانگر یک موضوع و یا یک ایده بود. در واقع این تصاویر صورت‌نگاری و تجسم بخشی اشیاء بود که بعدها پیکتوگرافی نام گرفت و به دنبال آن حروف الفبا و خط آفریده شد.

کلمات چاپ شده و نوشتاری همه به نوعی نشانه‌های بصری هستند و نشانه‌هایی که از بسط، گسترش و تکمیل همان علامت‌ها شکل گرفته‌اند. حروف الفبا در درجه اول شکل‌های تصویری هستند و معنای آن‌ها جنبه ثانویه دارد. در دنیای معاصر با وجود حدود یکصد زبان و هزاران گویش، برقراری ارتباط بین انسان‌ها بسیار پیچیده شده است. انسان‌ها برای گفت‌وگو، فهم و ارتباط با هم به زبان محتاجند. اما زبان کلمات و جملات بسیار گسترده است و نخبه‌ترین افراد قادر به فراگیری بیش از سه یا چهار زبان نیستند. در این جاست که تصویر به عنوان زبان ارتباطی وسیع‌تری مطرح می‌شود. حیظه ارتباط تصویری بسیار فراتر از محدوده کلمات و جملات است. نمادها و نشانه‌ها قادرند اطلاعاتی را انتقال دهند که از